

واقعه‌نگاری نسل فردا از سه روز تلخ در گذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی؛

# «آیت‌الله» آرام گرفت

سمیه یوسفیان  
گروه سیاست



صبح یکشنبه به مجمع رفت؛ صبح و سالم و سر حال؛ مثل همیشه، مثل تمام روزهای قبل، شوخی می کرد، لبخند می زد، حال و احوال اعضا را می پرسید. آن قدر خوب بود که محسن رضایی تعجب می کند. به واعظی می گوید: آقای هاشمی امروز خیلی بنشاط هستند، هیچ وقت این قدر خوشحال نبودند. مثل هر روز به کارها رسیدگی می کند. سر ظهر که می شود، آماده اقامه نماز و صرف نهار می شود. وزرای بهداشت و نیرو را دعوت کرده تا جداگانه از آن‌ها میزبانی کند. این را بعداً می فهمیم، اینکه آیت‌الله به طور مرتب با وزرای کابینه و مسئولان جلسه داشتند و از روند کارها و رسیدگی به مشکلات مردم باخبر می شدند. آن روز نوبت هاشمی بهداشت و جیت چیان نیرو

بود. نهار را با هاشمی می خورد و دو ساعتی درباره وضعیت بیمه‌ها و درمان و سایر مسائل مربوط به حوزه بهداشت باهم حرف می زدند. صحبت به مسائل جاری کشور و سیاست ایران می رسد. آیت‌الله دغدغه «وحدت» مسئولان را دارد. این را به وزیر بهداشت می گوید. احتمالاً ماجرا مربوط به جروبحث‌های اخیر میان روسای قوای قضائیه بوده است. ساعت از چهارده گذشته که جلسه با وزیر بهداشت تمام می شود. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام کمی در مجمع می ماند و ساعت نزدیک به هفده بعداً ظهر از مجمع خارج می شوند. حالش خوب است؛ هیچ نشانه‌ای از بیماری یا ضعف و ناخوشی در او دیده نمی شود. هر نوزده پله را با پای خودش طی می کند و راهی می شود...

پیکر آیت‌الله را به خاک سپارند. همان طور که پیش بینی می شد مردم در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله سنگ تمام گذاشته‌اند. از بعد از نماز صبح، جای سوزن انداختن در خیابان های منتهی به دانشگاه تهران نیست. آمده‌اند؛ پیر و جوان، اصولگرا و اصلاح طلب؛ باحجاب و بدحجاب... رسانه ملی از ساعات ابتدایی صبح به پوشش خبری مراسم می پردازد. مسئولان هم هستند؛ از همه جناح‌ها، رسانه ملی حتی مصاحبه با «تابش» را هم پخش می کند!

شامگاه دوشنبه فیلمی پخش و در توضیح آن گفته می شود: «مهدی هاشمی اجازه نداد علی عسگری، رئیس رسانه ملی زیر تابوت پدرش را بگیرد.» فیلم تقریباً گویای همین موضوع است اما چند ساعت بعد مهدی در مصاحبه با یکی از رسانه‌های گویید که اشتباه تصور شده و او در واقع مشغول صحبت با رئیس سازمان صداوسیما درباره نحوه پوشش مراسم تشییع پدرش بوده است. در دانشگاه تهران و قبل از آمدن رهبری همه جمع شده‌اند. صف اول مربوط به مسئولان است؛ تصویب «باسر» و «محسن» بارها و بارها نشان داده می شود. دو پسر آیت‌الله کنار سردار رحیم صفوی، سردار دهقان، وزیر دفاع و سایر فرماندهان لشکری نشستند. تمامی وزرا هستند. وزرای دولت قبل هم آمده‌اند؛ حتی آیت‌الله علم‌الهدی هم خود را از مشهد به تهران رسانده است.

جمعیت از سوی میدان انقلاب و چهارراه ولیعصر و فردوسی به سوی دانشگاه تهران روانه است. ساعت ۹:۴۰ دقیقه است که تابوت آیت‌الله را می روند. صفوف اول به هم می ریزد. جسم بی جان هاشمی به دانشگاه تهران بر گشت. از هفت سال به همان جایی که سال‌ها شاهد نطق‌های آتشینش بود، همان جایی که به نماز جمعه می ایستاد. حالا بر گشته تا رهبر انقلاب بر پیکرش نماز میت بخواند. احمد هاشمی روی تابوت می افتد. او را کمتر دیده‌ایم و حالا مقابل دوربین‌های تلویزیونی از همیشه بیشتر می بینیم. اشک می ریزد و دیگران دلگیری اش می دهند. همه مسئولان و سران کنار تابوت می آیند. محسن و باسر هم هستند. فاطمه را هم می بینیم. در قسمت ویژه‌ای کنار خانم‌ها نشسته و آرام اشک می ریزد. تعدادی از اعضای بیت امام هم هستند. آیت‌الله موحدی کرمانی هم می رسد. کنار تابوت می نشیند و سر روی تابوت رفیق قدیمی می گذارد. باشک‌های آیت‌الله موحّد، بعضی باسر هم می شنند. سر ساعت ۱۰ دوبری از راه می رسند. کنار تابوت می ایستند و یکی دوباری تأکید می کنند که مردم همگی باید نماز میت را بخوانند و همراه ایشان تکرار کنند. مجری هم تأکیدات رهبری را بلند اعلام می کند. مردم امام همچنان در حال شمار دادن هستند. لحظاتی بعد نماز را اقامت می کنند. نماز که تمام می شود، رهبری کنار تابوت «یار دیرین ۵۸ ساله» می نشیند، سر به زیر، آرام و بی صدا... کمی بعد می خیزند و همراه رئیس جمهور و تعدادی از مسئولان از جایگاه خارج می شوند.

تابوت هاشمی روی دست‌ها بلند می شود؛ روی شانه‌هایی که همچون دریا شده‌اند برای «امیر کبیر» ایران. تابوت آرام روی در می رود تا به مرقد مطهر برسد. به روح الله، قبر آماده شده است. بی شمار مردم هم هستند که در حرم امام منتظر استقبال از یار امام هستند ساعتی بعد خیل جمعیت به جمعیت حاضر در حرم می پیوندند. رسانه‌های معتبر و مهم همچون فرانس ۲۴، بی بی سی و بیورنیزو مراسم را پخش مستقیم می کنند. الجزیره و مباشر و چند رسانه خارجی دیگر هم دقیقاً از مراسم را به صورت زنده پوشش می دهند. عمل اجرایی تشییع جعفری از مقامات بلند پایه عراقی در مراسم حاضر شده‌اند. سردار سلیمانی هم هست. در این فضای سراسر حزن و اندوه آیت‌الله صناعی و آیت‌الله کاشانی و حجت‌الاسلام حسن خمینی از خود بی خود شده و بدحال می شوند. احمدی نژاد از امامی بنییم. پیکر آیت‌الله به حرم می رسد و در میان غم بی پایان مردم و امت وفادار و جمعیتی بیش از سه میلیون نفر به خاک سپرده می شود. روح امام به امام می پیوندد با از راهای زیادی که برای انقلاب و نظام داشت. حالا می تواند آسوده بخوابد تا همیشه. دلمان برایش تنگ می شود. برای مردی که جایش تا همیشه خالی خواهد ماند...



«ناطق نوری» شامگاه دوشنبه میهمان برنامه شبکه اول می شود. ناطق نوری استودیو آمده و روی آنتن زنده از بی‌مهری‌ها و جفاهایی که در حق هاشمی شد، سخن می گوید. به رسانه ملی هم کنایه می زند که حالا هر پنج شبکه از هاشمی بگویند، او که دیگر زنده نمی شود. صحبت‌ها درباره محل دفن پیکر آیت‌الله ضدونقیض است. در ساعات اولیه فوت ایشان، گفته شد هاشمی در حرم امام رضا به خاک سپرده می شود. روز دوشنبه اما شنیده می شود که هاشمی پیش از رحلت، توصیه‌هایی درباره دفن در حرم حضرت معصومه داشته است. محسن هاشمی اما خبر می دهد که با وجود علاقه پدر به خاکسپاری در قم اما به واسطه علاقه و انس ویژه ایشان حرم امام رضا به خاک سپرده می شود.

«ناطق نوری» شامگاه دوشنبه میهمان برنامه شبکه اول می شود. ناطق نوری استودیو آمده و روی آنتن زنده از بی‌مهری‌ها و جفاهایی که در حق هاشمی شد، سخن می گوید. به رسانه ملی هم کنایه می زند که حالا هر پنج شبکه از هاشمی بگویند، او که دیگر زنده نمی شود. صحبت‌ها درباره محل دفن پیکر آیت‌الله ضدونقیض است. در ساعات اولیه فوت ایشان، گفته شد هاشمی در حرم امام رضا به خاک سپرده می شود. روز دوشنبه اما شنیده می شود که هاشمی پیش از رحلت، توصیه‌هایی درباره دفن در حرم حضرت معصومه داشته است. محسن هاشمی اما خبر می دهد که با وجود علاقه پدر به خاکسپاری در قم اما به واسطه علاقه و انس ویژه ایشان حرم امام رضا به خاک سپرده می شود.

«ناطق نوری» شامگاه دوشنبه میهمان برنامه شبکه اول می شود. ناطق نوری استودیو آمده و روی آنتن زنده از بی‌مهری‌ها و جفاهایی که در حق هاشمی شد، سخن می گوید. به رسانه ملی هم کنایه می زند که حالا هر پنج شبکه از هاشمی بگویند، او که دیگر زنده نمی شود. صحبت‌ها درباره محل دفن پیکر آیت‌الله ضدونقیض است. در ساعات اولیه فوت ایشان، گفته شد هاشمی در حرم امام رضا به خاک سپرده می شود. روز دوشنبه اما شنیده می شود که هاشمی پیش از رحلت، توصیه‌هایی درباره دفن در حرم حضرت معصومه داشته است. محسن هاشمی اما خبر می دهد که با وجود علاقه پدر به خاکسپاری در قم اما به واسطه علاقه و انس ویژه ایشان حرم امام رضا به خاک سپرده می شود.

فریدون می آید. ناطق هم آمده. روحانی بلند گریه می کند؛ اما ناطق زار می زند. محسن و باسر هم هستند. مهدی با مأموران امنیتی از اوین راهی شده تا خود را به پدر برساند. خانواده هاشمی می خواهند پیکر آیت‌الله خیر می دهد که حال آیت‌الله وخیم است. هاشمی هنوز زنده است. رسانه ملی حتی نام او را از زیرنویس نمی کند و می نویسد: «رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام» یک ساعت می گذرد. در شبکه‌های مجازی غوغایی برپاست. ماجرا جدی شده و از یک عارضه قلبی ساده گذشته است. حالا از شبکه‌های مجازی خبر می دهند که «هاشمی هنوز دلمان به زیرنویس‌ها خوش است که شاید خبر خوشی از برآسد و بنویسند آیت‌الله بر گشت؛ ولی این اتفاق هیچ وقت نمی افتد. ساعت ۱۹:۴۰ دقیقه است که آیت‌الله در نهایت فوت کرده. نزدیک‌ترین رفسنجانی در گذشت». این خبر را بی بی سی داده؛ برای شبکه خبر تایست دقیقه بعد هاشمی همچنان زنده است؛ هنوز اخبار یک ساعت پیش درباره تلاش پزشکان برای احیای قلب از زیرنویس می کند و پس از حدود نیم ساعت تا ز خبر به رسانه ملی خودمان هم می رسد که هاشمی رفت... برنامه‌های رسانه ملی اما قطع نمی شود. انگار نه انگار کسی که فوت کرده، نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین یار امام احل بوده است؛ رئیس دولت در کشورمان، فرمانده جنگ، رئیس گران، رئیس مجمع تشخیص مصلحت، وزیر کشور، یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های مبارز انقلابی؛ یک «چریک انقلابی» که بسیاری به گردن این نظام حق دارند. نوار مشکلی کنار تمامی شبکه‌ها تپسته می شود. برنامه‌ها «اما ادامه دارد؛ تنها روشنگر آن‌ها عوض می شود. حالا در کمتر از یک ساعت تمام ایران فهمیده‌اند که «هاشمی رفسنجانی رفت». خبر شوکه کننده و ناباورانه است. همه در حال‌های از بهت و حیرانی هستیم. باور کردنی نیست؛ هاشمی که حالش خوب بود. ایست کامل قلبی؟ مگر می شود؟ همه دعای می کنند خبر شایعه باشد...

فاطمه بالای سر تابوت پدر نشسته و قرآن می خواند. حسینیه شلوغ شده؛ دسته‌های عزادار مردم و همین‌طور مسئولان یکی یکی از راه می رسند. مهدی از اوین می رسد. داخل حسینیه که می شود، تابوتان از دست می دهد، به سمت تابوت پدر می دود، خود را روی تابوت می اندازد و شروع به گریه کردن می کند. فاطمه او را دلداری می دهد که «صبوری کن». چند دقیقه بعد اما وقتی سید حسن خمینی هم می آید، این مهدی است که باید فاطمه را آرام کند. سید حسن با سید علی وارد حسینیه جماران می شود. به محض شنیدن خبر از قم به راه افتاده و در کمتر از دو ساعت خود را به جماران می رساند. ساعت ۲۲:۳۰ است که یادگار امام بالای سر تابوت می نشیند. فاطمه با دیدن کسی که پدر او را بسیار دوست داشت، قرار از کف می دهد و بی تاب می شود. رفت و آمدها تا نیمه شب ادامه دارد، حسینیه جماران خالی نمی شود. بسیاری از مسئولان لشکری و کشوری برای عرض تسلیت آمده‌اند. همه شوکه‌اند. اصولگرا و اصلاح طلب ندارد؛ سران هر دو جریان هستند. کنار هم می نشینند و همگی غمگین‌اند و همچنان در بهت ... هاشمی که خوب بود...

رسانه ملی ناگهان متحول شده است؛ تمامی برنامه‌ها رنگ عزا به خود می گیرند. مجری‌ها مشکلی پوش شده‌اند و برنامه‌های زنده با محوریت پرداختن به زندگی و شخصیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روی آنتن می رود. فیلم‌های آرشیوی که تاکنون ندیده‌ایم، پخش می شود؛ به ویژه فیلمی از رهبر انقلاب که ایشان به هاشمی ابراز علاقه می کنند و می گویند: «برای من هیچ کس هاشمی نمی شود»

رسانه ملی ناگهان متحول شده است؛ تمامی برنامه‌ها رنگ عزا به خود می گیرند. مجری‌ها مشکلی پوش شده‌اند و برنامه‌های زنده با محوریت پرداختن به زندگی و شخصیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روی آنتن می رود. فیلم‌های آرشیوی که تاکنون ندیده‌ایم، پخش می شود؛ به ویژه فیلمی از رهبر انقلاب که ایشان به هاشمی ابراز علاقه می کنند و می گویند: «برای من هیچ کس هاشمی نمی شود»